



## نوادر

علی اوجبی

مصحح یکی از متون کهن عرفانی می‌گفت: پس از چاپ کتاب برای دریافت حق التصحیح به امور مالی انتشارات مراجعه و خود را معرفی کردم.

متصدی با کمال تعجب گفت: شما چه نسبتی با نویسنده (در گذشته سده پنج هجری) دارید؟ عرض کردم: من مصحح کتاب ایشان هستم.

گفت: حق التألیف طبق ضوابط به خود مؤلف، ورثه و یا وکیل او تعلق می‌گیرد.

\*\*\*

مصحّحی می‌گفت: طبق رسم دیرین هرگاه کتابی را تصحیح می‌کردم آن را به یکی از اساتید و نزدیکانم تقدیم می‌داشتم. پس از تقدیم کردن یکی از آثار به مادر گرامیم، همسر (شیرین) توقع داشت اثر بعدی را به مادر ایشان تقدیم کنم و من با قصد توصیف چنین کردم:  
«تقدیم به مادر شیرین‌ام»

\*\*\*

مصحّحی می‌گفت: پس از آنکه کتابم آماده شد، آن را به «همسر بردبارم» تقدیم کردم. اما وقتی نخستین نمونه چاپی آن به دستم رسید، دیدم در صفحه تقدیمی آمده بود: «تقدیم به همسر بردارم»!

\*\*\*

نگارنده که سالهاست بر روی متون و آثار میرداماد به تحقیق و پژوهش می‌پردازد، پس از چاپ کتاب *جنوات* آن را به یکی از اساتید فلسفه دانشگاهها تقدیم داشتم. هفته بعد اعلام وصول آن را - که لابد سهو القلم بود - چنین دریافت داشتم: «جناب آقای میرداماد با سلام کتاب *جنوات* شما عزّ وصول یافت»